

بازشناسی مبانی فلسفی پدیدارشناسی پاسخی به

چالشهای معاصر

نرگس کشتی آرای¹

بیان مساله

اولین ویژگی پژوهش‌های پدیدارشناختی آن است که همیشه از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم شروع می‌شود. این دنیا از نگرش‌های طبیعی زندگی روزانه که هوسرل از آن به عنوان نگرش‌های اصلی و اساسی قبل از تفکر، تئوری سازی و سازماندهی یاد می‌کند، تشکیل شده است (Van Manen, 1990).

در این نوع پژوهش، پژوهشگر به توصیف تجارب افرادی که موقعیتی خاص را زیست کرده اند می‌پردازد، به نظر می‌رسد برخی از پژوهش‌های پدیدارشناسی به جای توصیف تجارب افراد که مشارکت‌کنندگان پژوهش و کانون اصلی مطالعه می‌باشند به بیان تجارب و برداشتهای خود پژوهش‌گر اختصاص یافته، پیش‌داوریه‌ها و ایده‌های نظری او به تصویر کشیده می‌شود این آسیبی است که می‌تواند نتایج این نوع پژوهش را بی اعتبار سازد. در این مطالعه برای فهم بهتر پژوهش پدیدارشناسی و رهایی از ورطه انحراف ایجاد شده در نتایج این پژوهش‌ها به بازشناسی مبانی فلسفی و چگونگی ساخت دانش پرداخته شده است.

سئوالات پژوهش

- 1- مفهوم پدیدار شناسی از دیدگاه هوسرل و هایدگر چیست؟
- 2- تفاوت دیدگاه‌های هوسرل و هایدگر در بیان ماهیت پدیدارشناسی چگونه است؟
- 3- ویژگیهای پژوهش پدیدارشناسی چگونه بیان می‌شود؟
- 4- ارتباط ساخت دانش در پژوهش پدیدارشناسی با مفاهیم وجود و موجود چگونه تفسیر می‌گردد؟
- 5- با عنایت به مبانی فلسفی پدیدارشناسی چه عواملی باعث بی اعتباری این پژوهش شده است؟

¹ - استادیار مطالعات برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)



روش پژوهش

روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا^۱ بود. تحلیل محتوا روشی برای تحلیل داده‌های متنی است و در مورد محصولات رسانه‌ای تا داده‌های مصاحبه‌ای کاربرد دارد. یکی از ویژگی‌های برجسته این روش استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند و روی داده‌ها اعمال می‌شود (فلیک^۲، ۱۳۸۷). در تحلیل محتوای کیفی هدف تقلیل داده‌هاست و جنبه‌های تفسیر متن به دنبال سئوالات در مقوله‌هایی متناسب قرار داده می‌شوند (مایرینگ^۳، ۲۰۰۰). در این پژوهش از الگوی تحلیل محتوای قیاسی استفاده شد.

نتایج

صحبت در باب پدیدارشناسی بدون ذکر دیدگاه‌های ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) و مارتین هایدگر امکان‌پذیر نیست. ادموند هوسرل از چهره‌های مهم و تأثیرگذار فلسفی در قرن بیستم و بنیانگذار پدیدارشناسی است. ادموند هوسرل اولین کسی بود که پدیدارشناختی را به عنوان یک روش توصیف مطرح کرد. او پدیدارشناختی را روشی برای تحلیل پدیدارها، یعنی تحلیل شناخت آگاهانه ما در این خصوص که اشیاء و رویدادها چگونه در تجربه ما جلوه‌گر می‌شوند می‌داند (گوتک، ۱۳۸۰). شعار پدیدارشناسی هوسرل تأکید بر اهمیت شهود یعنی شهودی مقدم بر شهود حسی و تجربی، توجه به امر ماتقدم به منزله بنیاد معرفت، تأکید بر زیست جهان، نقد نیهیلیسم و بی‌بنیادی عقلانیت جدید و همچنین نقد پوزیتیویسم و تفکر تکنولوژیک بود. از نظر هوسرل برای نیل به ماهیت و عینیت اشیا باید هرگونه نظریه پردازشی و همه مفروضات پیشین را تعلیق حکم کرد تا بتوان با «خود پدیدار» مواجه شد. پدیدار همان چیزی است که خود را در آگاهی آشکار می‌سازد که برای هوسرل، پدیدارشناسی روش شناخت ماهیت اشیا بود (عبدالکریمی، ۱۳۸۶). اختلاف بسیار اساسی هوسرل و هایدگر در این بود که برای هوسرل، پدیدارشناسی

1- Analyse Content Qualitative-

2-Flick

3-Mayring



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
 روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

روش شناخت ماهیت اشیا بود، در حالی که برای هایدگر، پدیدارشناسی مقدمه وجودشناسی و یگانه روش وجودشناسی است. ویژگی‌های اساسی پژوهش پدیدارشناسی عبارت است از:

- پژوهش‌های پدیدارشناختی همیشه از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم شروع می‌شود. این پژوهش مطالعه تجربه زیست شده (زیسته) است.
- این پژوهش، رویکردی فلسفی و فکورانه در نوشتن و تحریر جنبه‌هایی از یک فرایند است.
- پژوهش پدیدارشناسی بیان و واگشودن پدیده‌ها، همانگونه که خودشان را در آگاهی ما معرفی و عرضه می‌کنند، است.
- پژوهش پدیدارشناسی مطالعه ماهیت چیستی^۱ است.
- پژوهش پدیدارشناسی، توصیف معنای زیست شده است.
- پژوهش پدیدارشناسی مطالعه علمی انسان است.
- پژوهش پدیدارشناسی تمرین تمام و کمال اندیشمندی^۲ است.
- پژوهش پدیدارشناسی جستجوی معنای بودن انسان است.
- پژوهش پدیدارشناسی یک فعالیت شاعرانه^۳ است.

وقتی که از پدیدارشناسی صحبت می‌شود قصد آن نیست که بگوییم یگانه منبع تعیین کننده واقعیت تجربه فردی است و به جای تأکید و توجه بنیادین به مسائل مختلف صرفاً بر نقش تجربه فردی تأکید کرده به آن اعتبار مطلق بخشیم. هدف آن است که با شناخت تجارب فردی از دریچه چشم آنان به فهمی عمیق تر نسبت به پدیده مورد مطالعه دست یابیم. یکی از مسائلی که باعث خدشه دار شدن نتایج پژوهش‌های پدیدارشناسی و کاهش اعتبار آنها می‌شود آن است که به جای توصیف تجارب افراد که مشارکت کنندگان پژوهش و کانون اصلی مطالعه می‌باشند، به بیان تجارب و برداشتهای خود پژوهش‌گر اختصاص یافته است. یعنی بین تجارب مشارکت کنندگان و تجارب پژوهشگر خلط معنایی ایجاد می‌شود و این امر مانع آن است که به موجود یا پدیده اجازه داده شود به آن صورتی که می‌خواهد خود را نمودار کند. «پدیدار» آن چیزی است

¹ - Essences

² - Thoughtfulness

³ - Poetizing



که موجب آشکاریت خود است و ظهورش را از جانب خویش داراست. موجود قادر است خود را به بشمار حالت، نشان دهد. «موجود» در این خود‌نمایی همچون چیزی به نظر می‌آید. پس باید بین توصیف و تفسیر تجارب فاصله‌ای ایجاد شود. ون منن (1990) معتقد است که پژوهش‌پدیدارشناسی از یک سو توصیف¹ کیفیت تجربه زیسته در سرتاسر زندگی و در جریان زندگی است و از سویی دیگر توصیف معناداربودن بیانات² و گفته‌هایی از تجربه زیست شده است. این دونوع توصیف تا اندازه‌ای در مفهوم به نظر متفاوت هستند. یکی توصیف فوری و بی‌واسطه تجربه زیسته در جریان زندگی است و دیگری یک توصیف بینابینی از تجربه زیست شده است که در غالب کلام و نمادها بیان می‌شود که در این صورت محتوا یک عنصر نیرومند تفسیر³ می‌باشد. حقیقتاً توصیف در نهایت تفسیر است. این بدان معناست که در پژوهش‌پدیدارشناسی اقدام به دو نوع فعالیت می‌شود: (1) توصیف (2) تفسیر

توصیف زمانی است که با تجربه زیسته در جریان زندگی سروکار داریم. در این صورت به توصیف بی‌واسطه تجربه زیسته اقدام می‌کنیم. تفسیر زمانی است که ما با تجربه زیسته در قالب بیان و کلام و نه در جریان زندگی رو به رو هستیم. هایدگر (1962) بیان می‌کند که: تفسیربه‌عنوان یک روش توصیف معناداری پدیدارشناسی است و پدیدارشناسی در معنای اصلی آن یک طرح هرمنوتیکی است Van Manen (1990). «علم هرمنوتیک» افراد را به مرئی کردن پیش‌فرضهای نهفته در زیر این برداشتها قادر می‌سازد (پالمر، 1377).

منابع

- 1- احمدی، بابک. (1381). هایدگر و پرسشهای بنیادین. تهران: نشر مرکز.
- 2- احمدی، بابک. (1381/1). هایدگر و تاریخ هستی. تهران: نشر مرکز.
- 3- باقری، خسرو. (1382). مبانی فلسفی فمینیسم. تهران: چاپ سحاب.

¹ - Description
² - Expression
³ - Interpretation



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

- 4- باقری، خسرو. (1381). تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم. برگرفته از کتاب برنامه درسی نظر گاهها، رویکردها و چشم اندازها، پدید آورنده محمود مهر محمدی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- 5- پالمر، ریچارد. (1377). علم هرمنوتیک. ترجمه محمد سعید ضایی کاشانی انتشارات هرمس.
- 6- ساکالوفسکی، رابرت. (1384). در آمدی بر پدیدارشناسی. ترجمه محمدرضا قربانی، تهران: انتشارات گام نو، ص 56-57.
- 7- عبدالکریمی، بیژن. (1386). طنز تاریخی هایدگر در ایران. روزنامه ایران، فرهنگ و اندیشه، 7 آبان 1386.
- 8- گوتک، جerald. (1380). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمد جواد پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت، ص 302.
- 9- هایدگر، مارتین. (1367). فلسفه چیست؟. ترجمه مجید مددی، انتشارات تند.
- 10- هایدگر، مارتین. (1373). مابعدالطبیعه چیست؟. ترجمه محمد جواد صافیان، انتشارات پرسش.
- 11- هایدگر، مارتین. (1380). درآمد وجود و زمان. ترجمه منوچهر اسدی، آبادان: نشر پرسش.
- 12- Denzin, Norman; Lincoln, Yvonnas. (2000). *Qualitative Research*. 3rd Ed. united state: sage publication.
- 13- Jones, Kip. (2004). Mission Drift Qualitative Research or Moving toward a Systematic Review of Qualitative Studies. Moving back to a More Systematic Narrative Review. *The Qualitative Report*. vol. Nine. p95-112
- 14- Pinar, W. F. (2004). *What is curriculum theory?* Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.